

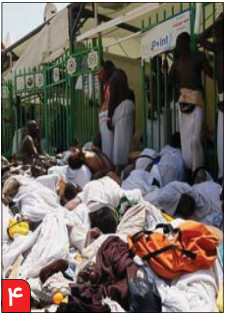
## ما جنرال‌های پاکستانی را که با چادر زنانه در حال فرارند بازداشت می‌کنیم

جنرال مراد علی مراد امروز با حضور در میان مردم قندوز گفت که آن تعداد از جنرالان پاکستانی را که با چادر زنانه در حال فرار هستند، شناسایی و بازداشت می‌کنیم.



## عالم افغانستانی: فاجعه منا به صورت عمدی صورت گرفته

عالم افغانستانی گفت با کشته شدن بیشترین زائر ایرانی و با در نظر داشت تنش‌های سیاسی میان عربستان و ایران، قرائن دلالت دارد که موضوع منا یک امر تصادفی نبوده.



### یادداشت

## داعش، فشار جدید و تهدید تازه پاکستان!

سید فاضل محبوب

بر اساس اخبار موثق از معامله قندوز، جنرال‌های کارکشته پاکستانی نبرد با نیروهای امنیتی افغانستان را رهبری می‌کنند. بسیاری از آگاهان بر این باوراند که اشغال قندوز چه با معامله و چه با جنگ، از عهده و توان نیروهای طالب بیرون بوده و اگر جنرال‌های کهنه کار پاکستانی و تروریست‌های کشورهای دیگر به شمول پاکستان نمی‌بود، ممکن نبود قندوز به آن آسانی به اشغال دشمنان این آب و خاک در آید.

طبق نظر آگاهان و به خصوص ریاست امنیت ملی کشور، بسیاری از مقامات قندوز از قبل توسط پاکستانی‌ها خریده شده بودند و آنهایی هم که تطمیع نمی‌شدند، با تهدید به مرگ خود و بستگان‌شان، ناچار به خیانت و معامله با حامیان طالبان شدند.

از بدو تشکیل حکومت وحدت ملی و پیش از آن و در هنگام تشدید اختلافات اساسی میان داکتر غنی و داکتر عبدالله، تا کنون که حدود صد و چند روز از آن می‌گذرد، پاکستانی‌ها به شدت اوضاع افغانستان را زیر نظر داشتند. آنان نگران بودند که با باهم شدن دو تیم رقیب انتخاباتی و تشکیل حکومت واحد و ملی، اوضاع افغانستان سامان گیرد و دیگر استخبارات آن کشور نتواند اوضاع را به گونه دلخواه در افغانستان مدیریت کند.

سران اسلام آباد پس از سپری شدن چندین ماه از عمر حکومت وحدت ملی و ناموفق بودن آن در بسیاری از زمینه‌ها، به این نتیجه رسید که حکومت مذکور نمی‌تواند مانع چندان جدی‌ای باشد برای رسیدن مقامات دولت پاکستان به اهداف استعماری و استراتژیک آنان در افغانستان.

لذا و با استفاده از اختلافات عمیق میان دو تیم رقیب اشرف غنی و داکتر عبدالله، جنرال‌های پاکستانی خود مستقیماً وارد میدان نبرد با نیروهای امنیتی افغان شده و رهبری جبهه طالبان را بر عهده می‌گیرند.

با طرح و برنامه دقیق همین جنرال‌های همسایه جنوبی است که ولایت مهم و استراتژیک قندوز با و یا بدون معامله، سقوط می‌کند؛ ولایت بغلان شدیداً ناامن تر از گذشته می‌شود؛ آمادگی‌های حمله وسیع طالبان به غزنی گرفته می‌شود؛ دو ولسوالی تاله و برفک و کوهستانات ولایت سرپل سقوط می‌کند و جوی از اضطراب و وحشت سراسر کشور را فرا می‌گیرد.

پاکستان به این مقدار هم بسنده نمی‌کند و با اظهارات و موضع‌گیری اخیر فرمانده ارتش این کشور، دور تازه‌ای از فشار طاقت فرسا بر دولت و ملت افغانستان، شروع می‌شود.

«فرمانده ارتش پاکستان هشدار داده است در صورتی که مذاکرات صلح توسط دولت افغانستان با طالبان ادامه نیابد، طالبان به گروه تروریستی داعش می‌پیوندند.

به گزارش رسانه‌ها، جنرال راحیل شریف این اظهارات را پس از بازگشت از سفر اروپا، طی صحبت با خبرنگاران در اسلام‌آباد ابراز داشته است.

دولت افغانستان اولین دور گفت و گوهای مستقیم صلح با نمایندگان طالبان را در ۱۶ سرطان سال جاری، با میزبانی پاکستان و حضور نمایندگان آمریکا و چین در اسلام‌آباد پاکستان انجام داد و قرار بود که دور دوم این مذاکرات در هشتم اسد در چین و یا پاکستان برگزار شود؛ اما پس از نشر گزارشات در مورد مرگ ملا محمدعمر به تعویق افتاد.

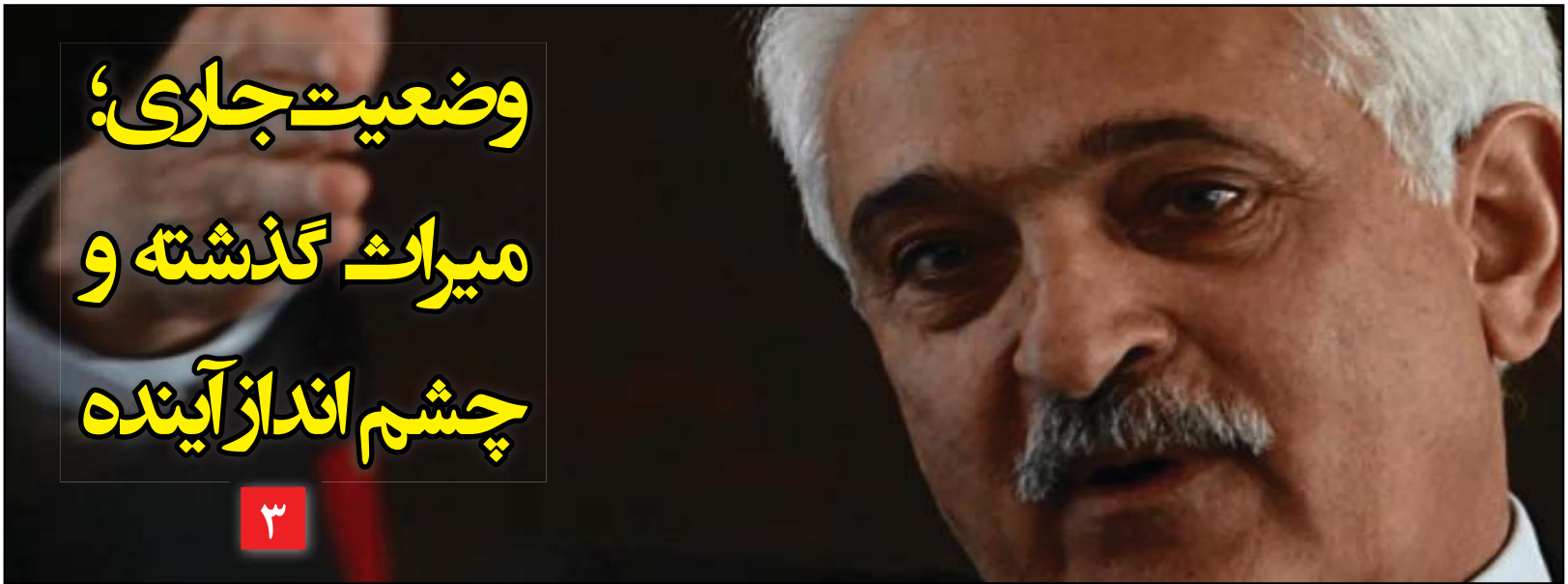
در همین حال فرمانده ارتش پاکستان تأکید کرده اگر ... ادامه در صفحه ۲

# معمای قندوز

# چه کسی پاسخ این سؤال‌ها را می‌داند؟

♦ در این شکی نیست که سؤالات بسیار جدی و اساسی در مورد رویداد سقوط شهر قندوز و رویدادهای پس از آن مانند بمباران مرگبار و جنایتکارانه شفاخانه این شهر به وسیله امریکایی‌ها وجود دارد، از سوی دیگر، مقام‌های ارشد امنیتی، از وجود دست‌هایی در درون قدرت برای همکاری با طالبان حرف زده و رییس امنیت ملی نیز از ممانعت شورای امنیت ملی برای راه‌اندازی عملیات در قندوز سخن گفته بود؛ جز این، نحوه برخورد دولت با این رویداد هم مبهم و پرسش‌برانگیز بود. با این حساب، سخنان داکتر عبدالله کاملاً قابل درک است؛ اما این سؤال همچنان وجود دارد که چه کسی یا کسانی باید به این ابهامات و پرسش‌ها پاسخ بگویند؟

در صفحه ۲



## وضعیت جاری؛

## میراث گذشته و

## چشم‌انداز آینده

۳

## افغانستان قربانی جنگهای نیابتی کشورهای همسایه، و بازیگران بزرگ جهان شده است

تربیت می‌شوند، اما با این وجود در برابر این خطر بزرگ بی‌تفاوت نشستند تا اینکه این فاجعه بوقوع پیوست.

به گفته این فعال مدنی، سقوط ولایت‌ها و شهرهای مهم، توسط گروه طالبان با موجودیت یک نظام دارای ۳۵۰ هزار نیروی مسلح، حضور ستون پنجم در بدنه دولت را بیشتر تقویت می‌بخشد.

به باور وی، افزون بر تمام عوامل دخیل در سقوط ولایت قندوز، افرادی که باعث تقویت لشکر طالب شده است، دانش آموزان مدارس غیر رسمی و افراد فرصت طلب دیگر در داخل این ولایت بوده‌اند.

فعالان مدنی افغانستان در این همایش تأکید کردند که حکومت وحدت ملی در یک سال کاریش نه تنها به داد مردم نرسیده، که خود بار دوشی شده است بر شانه‌های ضعیف شهروندان.

این فعالان مدنی در کنار ضعف مدیریت و بی‌کفایتی حکومت وحدت ملی، عدم اشتغال، نبود کار و رفاه همگانی را نیز در تقویت صفوف دشمن اثرگذار می‌دانند.

قابل ذکر است که در هفته گذشته، در پی یک عملیات از قبل طراحی شده، ولایت قندوز توسط گروه طالبان سقوط کرد و این گروه چهار روز حاکمیت این ولایت را بدست گرفته و اعمال فراوان ضد بشری را مرتکب شدند.

طبق گزارشها گروه طالبان در مدت چهار روز حاکمیت خود در ولایت قندوز، از هیچ جنایتی حتی تجاوز بر زنان، اذیت و آزار افراد ملکی و غارت کردن اموال خصوصی و دولتی دریغ نکردند.

### دست داشتن امریکا در جنایات قندوز/ به جنایت جنگی در قندوز رسیدگی شود

سال اخیر بی‌سابقه است. این نهاد مدنی و کمیسیون حقوق بشر افغانستان بر دست‌گیری و مجازات هرچه زودتر عاملین سقوط ولایت قندوز تأکید کردند.

برگزار کنندگان نشست کابل گفتند که در فاجعه قندوز ده‌ها نفر از افراد ملکی و اسرای جنگی به صورت انفرادی و دسته‌جمعی به قتل رسیده‌اند و یا پس از شکنجه و رفتار غیر انسانی با آنان، اعدام شده‌اند ...

ادامه در صفحه ۳

### نشست هرات

### و گره کور امنیت منطقه ای

خبرگزاری آوا - سرویس تحلیل و پژوهش اخبار شماری از شرکت کنندگان نشست چهارم گفتگوهای امنیتی هرات می‌گویند که هراس افکنی بدون پشتیبانی کشورهای منطقه ناممکن است.

ابراهیم ورساجی؛ پژوهشگر گفت: «این کجا منطقی است که شما یک عده از طالبان را با ضرب، عقب می‌کشید و یک عده دیگر طالبان را تشویق می‌کنید که با دولت افغانستان گفتگو کنید؟ شما باید طالبان را تمدن بسازید تا افکار گذشته را کنار بگذارند و به زندگی مسالمت آمیز بپردازند.»

کامیار ملک‌وف؛ رئیس مرکز تحلیل مذهب و قانون قرقیزستان نیز گفت: «امنیت منطقه و آسیای میانه وابسته به امنیت افغانستان است و اگر قرار باشد که در افغانستان ناامنی باشد، این کشورها نیز ناامن خواهد شد.»

اسد درانی؛ رئیس پیشین سازمان استخبارات نظامی پاکستان تصریح کرد: «برای من به عنوان یک برنامه ریز نشان می‌دهد که ما به حرکت بسیاری ضرورت داریم تا از بازی خونریزی، ملامت کردن و دیگر بازی‌ها بگذریم و آن وقت تفاهم آغاز می‌شود و سود همکاری مشترک را درمی‌یابیم.»

این بیانات و موضع‌گیری‌ها از سوی شرکت کنندگان نشست امنیتی هرات، در حالی صورت می‌گیرد که به باور کارشناسان، این نشست، در زمانی بسیار حساس و مهم برگزار شد؛ زیرا افغانستان از نظر امنیتی در بدترین وضعیت ممکن قرار دارد و تروریست‌ها به نحو بی‌سابقه‌ای در نقاط مختلف کشور، اقدام به راه‌اندازی مانورهای نظامی کرده‌اند.

از جانب دیگر، خطر قدرت‌گیری و ریشه‌دواندن گروه تروریستی داعش در افغانستان نیز روز به روز جدی‌تر می‌شود و این امر، بر نگرانی‌ها در خصوص آینده امنیتی کشور و در کل، امنیت منطقه افزوده است.

سقوط شهر استراتژیک قندوز که برای اولین بار پس از سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی رخ داد و با توجه به موقعیت حساس این ولایت و همجواری آن با جمهوری تاجیکستان، شرکت کنندگان در نشست امنیتی هرات را با ... ادامه در صفحه ۲

یادداشت

داعش، فشار جدید و تهدید تازه پاکستان!

ادامه از صفحه اول / حکومت افغانستان موفق نشود که طالبان مسلح را به میز مذاکره و گفت و گو بکشاند، این گروه برای رسیدن به اهدافش به گروه تروریستی داعش خواهد پیوست. راحیل شریف، گروه تروریستی داعش را نسبت به القاعده، خطرناک تر توصیف کرد و گفت: ارتش پاکستان اجازه نخواهد داد حتی سایه گروه داعش وارد پاکستان شود.

فرمانده ارتش پاکستان افزود: افرادی در پاکستان حضور دارند که می خواهند خود را از عناصر نزدیک به داعش نشان دهند و این موضوع برای آینده این کشور یک پدیده بسیار خطرناک است. به باور فرمانده ارتش پاکستان، اگر طالبان افغانستان به مذاکرات صلح مجبور نشوند، امکان این وجود دارد که با داعش یکجا شوند بنا براین مذاکرات میان حکومت افغانستان و طالبان یک امر ضروری است.

اگر چه لحن لوی درستیز قوای مسلح پاکستان در این هشدار نرم و ملایم می نماید و تهدید خویش را در قالب یک پیشنهاد و نصیحت خیرخواهانه به حکومت افغانستان مطرح می کند؛ اما باطن سخن راحیل شریف با توجه به دخالت همیشگی و اخیرا مستقیم آن کشور به افغانستان، گویای یک اخطار صریح و روشن سران اسلام آباد به مقامات حکومتی کابل است مبنی بر سهم کردن طالبان در حکومت و قدرت و صد البته آنهم با سهمی بالا و قابل توجه؛ که اگر چنین نکنید، وضعیت قندوز فقط نمونه ای است از کارهایی که سران اسلام آباد می توانند در بخش های بسیاری از افغانستان انجام بدهند. داعش پروژه بزرگ و وسیعی است که به هدف ناامن ساختن کشورهای منطقه به راه انداخته شده است و سود بران این پروژه مخوف و ضد بشری، امریکا و اروپا و برخی از دولت های منطقه ای از جمله پاکستان است.

از دید سران اسلام آباد، ترساندن از داعش در شرایط فعلی که دولت افغانستان زیر فشار افکار عمومی داخلی و خارجی قرار دارد، حربه بسیار مناسبی است و می تواند فشار مضاعفی را بر سران حکومت وحدت ملی وارد سازد تا آنان از هراس آنکه مبدا چنین اتفاقی بیفتد و طالبان به داعش بپیوندند، سهم عظیمی از قدرت را به آنان واگذار کنند.

نهایتاً پاکستان با این طرحش به دو هدف دست میازد؛ از یک سو طالبان را وارد بدنه حکومت می کند و از این طریق به حفظ منافعش در افغانستان دست میازد و از سوی دیگر با تقویت داعش و جایگزینی آن بجای طالبان، به سود بری خویش از خلق بحرانهای مدیریت شده، مصروف می شود.

جنرال مراد: ما جنرال های پاکستانی را که با چادر زنانه در حال فرارند بازداشت می کنیم

جنرال مراد علی مراد امروز با حضور در میان مردم قندوز گفت که آن تعداد از جنرالان پاکستانی را که با چادر زنانه در حال فرار هستند، شناسایی و بازداشت می کنیم.

دیروز با برافراشته شدن پرچم سه رنگ افغانستان در ساختمان ولایت قندوز بعد از یک هفته، فصل تازه ای در حکومت داری قندوز آغاز شد.

روز دوشنبه همچنین سرپرست جدید این ولایت کار خود را آغاز کرد. در همین حال معاون رئیس ستاد ارتش می گوید که جنگجویان در قندوز در حال شکست هستند و نیروهای دولتی به دنبال آن جنرالان پاکستانی هستند که در نبرد قندوز شرکت داشتند.

جنرال مراد معاون رئیس ستاد ارتش ملی اظهارداشت: «ما آن جنرالان پاکستانی که خود را پنهان کرده اند و چادر زنانه به سر کرده و گریخته اند، شناسایی و بازداشت می کنیم.»

مرادعلی مراد از مردم می خواهد تا در عملیات ردیابی هراس افگنان نیروهای دولتی را کمک کنند. مراد تصریح کرد: «مردم برای شناسایی دشمنان در هر جایی که خود را مخفی کرده اند با نیروهای امنیتی همکاری کنند.» حمدالله دانشی سرپرست ولایت قندوز در آستانه آغاز به کار خود گفت: «ما در این فاجعه سخت در کنار نیروهای امنیتی بودیم و شهادت، غیرت و ایمان آنان را تقدیر می کنیم.» جنرال مراد همچنین از شناسایی چهره های سخن می گوید که برای سقوط قندوز راه را برای جنگجویان باز کرده اند.

داکتر عبدالله؛ رییس اجرایی، سقوط شهر قندوز به دست طالبان را سؤال برانگیز خوانده و گفته است که این مساله با جدیت بررسی خواهد شد. داکتر عبدالله که در نشست شورای وزیران در کابل سخن می گفت، اظهار داشت که وضعیت فعلی قندوز نشان دهنده آن است حکومت به وظایف خود عمل نکرده است.

وی گفت: «سؤال اصلی مردم قندوز این است که ما بارها مراجعه کردیم، مسایلی داشتیم و مسایل خود را

کاملا قابل درک است؛ اما این سؤال همچنان وجود دارد که چه کسی یا کسانی باید به این ابهامات و پرسش ها پاسخ بگویند؟ داکتر عبدالله با اشاره به جنایات ضد بشری طالبان در شهر قندوز به شدت از کسانی که به دنبال توجیه این گونه جنایات می باشند انتقاد کرد. وی گفت: «نباید اجازه داده شود که جنایت توجیه شود. این را همه ما می دانیم که تروریسم مذهب، ملت و قوم ندارد. جای تاسف این است که دانسته

کارشناسان هم می گویند که این مساله ای کلیدی است که میان بخش هایی از دولت و طالبان، چه نسبتی وجود دارد؟ چرا هنوز و به رغم رویدادهای تروریستی که همه روزه در سراسر کشور شاهد آن هستیم، بخش هایی از دولت، عملا و رسماً در حمایت از طالبان، فعال اند؟ چرا ریاست اجرایی غالباً مسایلی را مطرح می کند که از نظر مردم، اساسی و بنیادی است؛ اما همین مواضع از جانب ریاست جمهوری، مورد

معمای قندوز؛ چه کسی پاسخ این سؤال ها را می داند؟



کارشناسان می گویند که این مساله ای کلیدی است که

میان بخش هایی از دولت و طالبان،

چه نسبتی وجود دارد؟ چرا هنوز و

به رغم رویدادهای تروریستی که

همه روزه در سراسر کشور شاهد

آن هستیم، بخش هایی از دولت،

عملا و رسماً در حمایت از طالبان،

فعال اند؟ چرا ریاست اجرایی غالباً

مسایلی را مطرح می کند که از

نظر مردم، اساسی و بنیادی است؛

اما همین مواضع از جانب ریاست

جمهوری، مورد حمایت و تاکید

قرار نمی گیرند؟ این دوگانگی از

کجا ریشه می گیرد و به کجا منتهی

خواهد شد؟

یا ندانسته در جایی دیده می شود از تربیون دولت این جنایات توجیه می شود و تلاش می شود که این جنایت کتمان شود.

پیش از این شماری از کاربران شبکه های اجتماعی و رسانه های محلی، از جنایت، نسل کشی و تصفیه نژادی طالبان در قندوز سخن گفته و مدعی شده بودند که افراد این گروه، افراد، اقوام، گروه ها و مذاهب غیر از خود را بی رحمانه و هدفمند آماج قرار می دهند و به این منظور، آگاهانه اقدام به کشتار، جنایت، تجاوز و آدم ربایی می کنند.

از جانب دیگر، جبهه دیگری نیز در حمایت و توجیه عملکردهای جنایتکارانه طالبان در قندوز، موضع گرفت که ظاهراً منظور آقای عبدالله گروه دوم است.

رییس اجرایی با تاکید بر جدایی صف دولت از صف حامیان طالبان تصریح کرد: «در داخل نظام به هیچ صدایی که دشمن را توجیه کند نباید اجازه داده شود. صف کسانی که از دشمن، از تروریسم و از طالبی که امروز جنایت می کند باید از صف نظام افغانستان جدا باشد و در اینجاست که بیشترین ضربه را یک نظام می خورد وقتی که صف خودش روشن و واضح و تصفیه شدگی نبود.»

حمایت و تاکید قرار نمی گیرند؟ این دوگانگی از کجا ریشه می گیرد و به کجا منتهی خواهد شد؟

به نظر آگاهان، رییس اجرایی، برخلاف سایر دستگاه های منتقد، این قدرت و موقعیت و صلاحیت را دارد که حامیان تروریسم در درون دولت را رسماً به چالش بکشد و بر پایه قانون، پرده از چهره آنان بردارد و اگر چنین نکند، بدون تردید در برابر داوری بی رحم مردم و تاریخ، در کنار حامیان طالبان و تروریسم در درون دولت، به یک اندازه مسؤل شناخته خواهد شد.

داکتر عبدالله در بخش دیگری از سخنان خود از اعلام آمادگی شماری از فرماندهان جهادی برای مبارزه علیه طالبان استقبال کرد و خاطر نشان ساخت که موقع ضرورت در چارچوب نظام افغانستان از حمایت مردمی استقبال و از آنان کار گرفته خواهد شد.

این موضع رییس اجرایی به باور کارشناسان، در حمایت از حرکت های اخیر شماری از فرماندهان جهادی صورت می گیرد که در پی ناکامی نیروهای امنیتی در مقابله با یورش اولیه طالبان بر شهر قندوز و سقوط این شهر، از آمادگی خود برای مبارزه با طالبان خبر داده بودند؛ آمادگی ای که با واکنش دولت اشرف گزارش ها، اشرف غنی، به جان احمد حقجو؛ از مشاوران رییس اجرایی و نیروهای وی، اجازه ورود به قندوز برای مقابله با طالبان را نداد و به مقام های امنیتی نیز توصیه کرد که اجازه فعالیت «افراد مسلح غیر مسؤل» در قندوز را ندهند؛ توصیه ای که از سوی ناظران، حمل بر مخالفت اشرف غنی با حرکت های مجاهدین سابق علیه طالبان شد.

با این حال، در یک جمع بندی کلی می توان گفت که با توجه به فاصله عمیق و آشکاری که میان واکنش های آقایان غنی و عبدالله در قبال رویداد قندوز وجود دارد، رویداد قندوز و فجایع پرسش برانگیز پیرامون آن که اکنون به یک معما تبدیل شده است، پیچیده تر شد و در این میان، یافتن مرجع مسؤلگی که به تعبیر آقای عبدالله به «سؤال اساسی» پیرامون این رویداد پاسخگو باشد نیز سخت تر گردید.

تحلیل

نشست هرات

و گره کور امنیت منطقه ای

ادامه از صفحه اول / مسایل تازه و پیچیده ای روبرو کرد؛ مسایلی که بحث های مورد نظر این نشست را از سطح امنیت افغانستان فراتر برد و تروریسم، افراط گرایی و خشونت را به مثابه تهدیدهای جدی برای سراسر منطقه، به موضوعات اصلی این نشست بدل کرد.

کارشناسان می گویند که در پایان این نشست مهم امنیتی، آنچه از جانب برخی شرکت کنندگان ارشد آن، به عنوان کدها و کلیدهایی برای شناخت مسایل و مشکلات جاری در افغانستان و راه های حل آن، مطرح شده است، همه مناسب، مبنایی و قابل توجه هستند؛ اما مساله ای که وجود دارد این است که مشکل افغانستان، نبود نظریه پردازی و تئوری سازی نیست.

آنچه در این زمینه فراوان وجود دارد، تئورسین، کارشناس، نظریه پرداز و تحلیلگر است؛ مشکل اصلی، یک اقدام واقعی و عملگرایانه برای حل این معضلات بنیادی و بنیان برانداز است.

هیچکس تردید ندارد که طالبان، بازیچه دست آی اس آی پاکستان هستند که گروهی از آنها، نمایندگان حکومت افغانستان را دور میز صلح و گفتگو، سرگرم می کنند و به این ترتیب، امتیازات مورد نیاز و نظر پاکستان را تامین می نمایند و گروهی دیگر از آنان، هر روز جبهه های تازه ای را در عرصه جنگ میدانی می گشایند و به این ترتیب، نیروهای امنیتی و دولت افغانستان را دچار فرسایش و آسیب می کنند.

از جانب دیگر، هیچ تردیدی وجود ندارد که اکنون وضعیت به گونه ای رقم خورده که ناامنی های جاری در افغانستان، فقط مشکل افغانستان نیست؛ زیرا تبعات و بازخوردهای این وضعیت، به سرعت، سراسر منطقه را فرا خواهد گرفت و این چیزی است که مبارزه با تروریسم را به یک ضرورت و فوریت منطقه ای بدل می کند.

در این میان، به عقیده آگاهان، آنچه وجود ندارد، یک اراده واقعی و عملگرایانه برای پایان بخشیدن به معضلات جاری است.

شماری از کشورهای همسایه و منطقه، مانند پاکستان، مستقیماً از تروریسم حمایت می کنند، به آن پناه داده اند، آن را تجهیز و تقویت کرده و به سمت افغانستان گسیل می دارند و شماری دیگر نیز به رغم آنکه می دانند دامنه اقدامات هراس افکنانه پاکستان، امنیت آنها را نیز متاثر خواهد کرد، اما در آتش ترور و هراس افکنی پاکستانی اند.

اینجاست که امنیت منطقه ای به یک گره کور برمی خورد؛ گرهی که نشست امنیتی هرات نیز به رغم اظهار نظرهای خوب کارشناسان نخبه و خیره آن، از عهده گشودن آن بر نخواهد آمد.

صدور محصول تربوز فراه به خارج از کشور



مقامات محلی از افزایش محصول تربوز در ولایت فراه و صدور این محصول به کشورهای همسایه خبر می دهند.

انجنیر عبدالمنان متین؛ رئیس اداره ی زراعت ولایت فراه در گفت و گوی تلفنی به خبرنگار آوا گفت که زراعت کاران این ولایت توانسته اند تا در سال جاری ۳۵۰ تن تربوز را به ولایت همجوار و حتی خارج از کشور صادر کنند.

وی با بیان اینکه امسال ۸۰ درصد از تربوز مصرفی کشور در فراه تولید می شود، گفت: این محصول به پاکستان و ایران نیز صادر شده است.

او گفت که قرار است این محصول در سال های آینده به کشورهای عربی نیز صادر شود.

رئیس اداره ی زراعت ولایت فراه خاطر نشان ساخت که کشور قطر از متقاضیان تربوز و دیگر محصولات زراعتی این ولایت می باشد.

قابل یادآوری است که تربوز فراه در کشور معروف است و این محصول در بیشتر مناطق کشورمان استفاده می شود. در سالهای گذشته نیز پول برداشت از حاصل تربوز فراه بیش از میلیون ها افغانی گزارش شده است.

# وضعیت جاری؛ میراث گذشته و چشم انداز آینده

رنگین دادفر سپنتا؛ مشاور امنیت ملی اداره کرسی در مصاحبه ای با تلویزیون محلی طلوع، تأکید کرد که پاکستان عامل اصلی هراس افکنی است و با ادامه کمک های میلیاردی امریکا به این کشور نمی توان انتظار مبارزه با هراس افکنی را از آن داشت.

وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی پیشین کشور از کارنامه یکساله حکومت نیز ابراز ناخشنودی کرد و گفت که نمی توان حکومت پیشین را با این حکومت مقایسه کرد.

به گفته وی، با وجود همه مشکلاتی که در حکومت گذشته وجود داشت، از جمله فساد اداری، ضعف و ناتوانایی های دیگر، کارکرد آن حکومت بهتر از کارهای یکساله حکومت وحدت ملی است.

کارشناسان می گویند که این موضع گیری آقای سپنتا در ادامه موضع گیری های انتقادی دیگر مهره های حکومت سابق به شمول حامد کرزی از حکومت کنونی، قابل ارزیابی است و در نگاه نخست، شاید برآیند طبیعی رقابت های پنهانی زیر پوست قدرت به نظر آید؛ اما به باور آنها، با توجه به آنچه در قندوز اتفاق افتاد و نیز با نگاهی گذرا به کارنامه یکسال عمر حکومت کنونی، مشخص می شود که راهی که مسؤولان حکومت فعلی در پیش گرفته اند در خیلی از موارد، اشتباه و انحرافی بوده است.

این در صورتی قابل درک است که تصور کنیم، آنچه در بالا اشاره شد، اساساً از زبان یکی از مهره های وفادار و پایه های ثابت حکومت سابق، مطرح نشده؛ بلکه از قول یک کارشناس مستقل بیان شده است.

چه کسی می تواند تردید کند که آنچه اشرف غنی؛ رییس جمهور در نخستین روزهای ریاست جمهوری در حوزه سیاست خارجی و رابطه با پاکستان انجام داد، هیچ سنخیتی با منافع ملی و تجربه تاریخی رابطه با پاکستان نداشت؟ از امضای پیمان امنیتی با امریکا تا دوری از هند و نزدیکی به پاکستان.

آقای غنی، بی محابا به پاکستان نزدیک شد، به این امید که از این طریق بتواند اسلام آباد را قانع کند، از روند صلح در افغانستان حمایت صادقانه کند و دست از هراس افکنی و فتنه انگیزی و خشونت گسترده در کشور ما بردارد.

او حتی روابط استراتژیک با هند را نیز در برابر به دست آوردن اعتماد پاکستان، معلق کرد؛ اما سقوط قندوز تنها یکی از پاسخ هایی خونینی بود که پاکستان به اعتمادسازی اشرف غنی داد.

البته همانگونه که آقای سپنتا نیز اشاره کرده است، کمک های امریکا به پاکستان نیز به اسلام آباد امکان می دهد تا با شجاعت و بی محابا، سیاست های سابق خود در قبال افغانستان را ادامه دهد.

دست کم در همین یک مورد، نمی توان نسبتی میان حکومت گذشته و نظام کنونی برقرار کرد. در حوزه دستاوردهای یکساله نیز شاید همین قاعده صادق باشد.

رنگین دادفر سپنتا گفت که حکومت پیشین و کنونی نتوانسته اند تاکنون به گونه درست مدارکی دال بر دست داشتن پاکستان در حمله های مرزی، دهشت افکنی و مداخله های این کشور در افغانستان گردآوری کنند و از پاکستان به گونه رسمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کنند؛ در حالی که به باور وی افغانستان اگر دست به چنین کاری هم بزند با حق وتوی کشورهای بزرگ روبرو می شود و این کار تا زمانی که به گونه درست از سوی سازمان ملل متحد بررسی نشود، بی نتیجه خواهد بود.

وی با اشاره به گفته های مقام های حکومت وحدت ملی در نشست عمومی سازمان ملل متحد درباره نقش پاکستان در حمله بر افغانستان و پشتیبانی از گروه های هراس افکن گفت که حکومت پیشین بارها این کار را انجام داده است.

سپنتا اظهار داشت: «صحبت هایی که امروز مطرح شد در دوران حکومت ما هم مطرح شده بود. میان

صحبت کردن در مجمع عمومی سازمان ملل و بردن عریضه رسمی نه در حکومت ما صورت گرفته و حکومت فعلی هم نکرده است».

ناظران می گویند که سپنتا در این بیان، دو نکته بسیار مهم را مطرح کرده است: یکی اینکه حکومت های افغانستان نتوانسته اند تاکنون مدارک محکمه پسند و معتبری دال بر دخالت پاکستان در افغانستان به شورای امنیت ارائه کنند و به این ترتیب، رسماً از این کشور، شکایت نمایند و دوم، اطمینان او از وتوی هرگونه قطعنامه ضد پاکستانی در شورای امنیت از سوی قدرت های بزرگ.

کارشناسان می گویند که این

دارد، هرگز تمایل ندارند، رژیم اسلام آباد، با محکومیت بین المللی مواجه شود و این چیزی است که نقش سازمان ملل در حل مسایل افغانستان را نیز عمیقاً زیر سؤال می برد.

آقای سپنتا نیز در بخشی از این مصاحبه تصریح کرد که غرب به ویژه امریکا در کار مبارزه با هراس افکنی پیروز نبوده و عاملان هراس افکنی چون پاکستان در سال های گذشته پول های هنگفتی از این کشور به دست آورده اند و افغانستان با سیاست های کنونی روز به روز از هم پیمانانش دورتر می شود.

مشاور پیشین امنیت ملی تأکید کرد: «واشنگتن پست نوشته بود که



در ۱۳ سال گذشته پاکستان ۳۱ میلیارد دلار کمک های نظامی و ملکی از ایالات متحده امریکا به دست آورده است. شما چگونه می توانید بر تروریزم پیروز شوید، در صورتی که با ۳۱ میلیارد دلار می خواهید عامل اصلی تروریزم را حمایت کنید؟ ما نیاز به استراتژی جدید داریم، یک اجماع بین المللی به کار است که در آن امریکا، اروپا، چین، هند باشند و ما بتوانیم با عامل تروریزم مبارزه کنیم».

این بسیار واضح و بدیهی است که عملکردهای پاکستان، کاملاً مورد تأیید و در تفاهم با امریکا صورت می گیرد؛ در غیر آن، چگونه می توان باور کرد که

پرسش برانگیز و غیر قابل باور است که چگونه حکومت های پیشین و جدید که همه روزه پاکستان را متهم به دخالت در امور امنیتی و سیاسی کشور می کنند و حتی شهروندان و نظامیان این کشور را بازداشت می کنند، هنوز نتوانسته اند مدارک معتبری برای اثبات این ادعا جمع آوری کنند؟ این غیر قابل باور و شگفت انگیز است.

نکته دوم مورد اشاره آقای سپنتا، بیانگر گره اصلی ماجرای روابط افغانستان و پاکستان در عرصه بین المللی است. قدرت هایی مانند امریکا که همه ساله میلیاردها دلار به اسلام آباد می پردازد و نیز چین که رابط تنگاتنگ و راهبردی با پاکستان

پاکستان در حوزه نفوذ امریکا یعنی افغانستان، از تروریزم حمایت کند و ناامنی و جنگ راه اندازی کند؛ اما از آنسو از ایالات متحده، پاداش هم دریافت کند؟

پس مشخص است که امریکا و پاکستان در تئوری باهم پروژه ناامنی در افغانستان را هدایت می کنند و رویداد اخیر قندوز نیز این واقعیت را ثابت کرد: طالبان مردم و غیر نظامیان را قتل عام کردند و امریکا هم با حمله به شفاخانه قندوز، این جنایت ها را تکمیل کرد.

سپنتا در ادامه گفت: «اگر شما می خواهید که این حکومت را با حکومت ما مقایسه کنید، من بسیار شرمند هستم، اصلاً قابل مقایسه نیست. کجاست این حکومت؟ ما خوب یک چیز داشتیم، ما به پای بوسی ضابطان پاکستانی و «تولی مشرهای» پاکستانی نرفتیم. با همه ضعف ها، با همه فساد و با همه مشکلات، حکومت ما یک حکومت مشروع، منتخب و نماینده مردم افغانستان بود. یک حکومت متقلب را نباید با حکومت منتخب مردم مقایسه کرد».

در مورد مقایسه این حکومت با حکومت پیشین، به عقیده آگاهان، شاید حق تا حدودی با آقای سپنتا باشد؛ اما نباید فراموش کرد که

حکومت کنونی نیز بخش بزرگی از مصایب و مشکلات موجود را از حکومت پیشین به ارث برده است: از فساد، تا سوء مدیریت، قانون ستیزی، قوم گرایی، بی برنامهگی، انفعال، ابهام در صلح و جنگ و مسایل دیگر.

از سوی دیگر، اگرچه حکومت پیشین، مشروع و منتخب بود و حکومت کنونی از چنین ویژگی ای برخوردار نیست؛ اما نباید نادیده گرفت که آقای کرزی و تیم او و نیز کمیسیون های انتخاباتی مهندسی شده به واسطه او، عوامل اصلی شکل گیری تقلب و تزویر و دستبرد در آرای عمومی انتخابات پیشین و در نتیجه، شکل گیری بحران سیاسی و تشکیل حکومت کنونی هستند و

## می توانستیم از سقوط قندوز جلوگیری نماییم اما...!

قندوز به عنوان تکانی سخت یاد کرد که باعث شد پس از این نسبت به قضایا جدی تر عمل نماییم. وی در عین حال تصریح کرد که کسانی بودند که طالب را توجیه می کردند اما قضیه قندوز به وضاحت اینکه طالبان چه گونه مردمی هستند، افزود... ادامه در صفحه ۴

مردم و نمایندگان عذرخواهی کرد و گفت، ما می توانستیم از این حادثه جلوگیری کنیم و توانایی دفاع را داشتیم و نیرو و قوت کافی در اختیار ما وجود داشت؛ اما متأسفانه به دلیل نبود هماهنگی، موفق به واکنش سریع و درست در قبال این حمله طالبان نشدیم. این مقام مسوول از سقوط

در ایام عید با استفاده از فرصت در بین مردم جا به جا شده بودند. این مقام مسوول حمله به تمام زندان های کشور را از برنامه آینده ی طالبان عنوان کرد. اما متین بیگ، معاون امنیت ملی نیز که به جای رییس امنیت ملی در این جلسه حضور داشت بار دیگر از

این گونه افراد و محاکمه ی آنها خبر داد. نورالحق علومی؛ وزیر داخله، نیز با بیان اینکه مخالفان با استفاده از ایام تعطیلی عید در بین مردم جا به جا شده بودند، از پاکسازی ولسوالی های قندوز در آینده نزدیک خبر داد. وی هم چنین گفت، مخالفان مسلح

جاشده بودند و از نهادهای مسوول نیز دستور نمی گرفتند، از دلایل سقوط قندوز می باشد. وی افزود: به همین خاطر فرماندهی دشت ارچی که قطعه مربوطه را از این منطقه خارج کرده بود، در حال حاضر تحت محاکمه قرار دارد. کاکر از شناسایی شماری دیگر از

سلیمان کاکر؛ معاون مشاور امنیت ملی می گوید: این شورا حامی عملیات های نظامی بوده و هیچ گاه مانع اجرای عملیاتی نشده است. به گزارش خبرگزاری آوا، کاکر که به همراه وزیر داخله به مجلس سنا فرا خوانده شده بود، گفت: حضور افرادی که با واسطه در پست ها جابه

## دست داشتن امریکا در جنایات قندوز/ به جنایت جنگی در قندوز رسیدگی شود



برگزار کنندگان این کنفرانس در پایان از سازمان ملل متحد به خصوص محکمه بین المللی جرایم (آی سی سی) خواست تا مطابق حیطه صلاحیت خویش که افغانستان نیز شامل آن می باشد در قسمت مستند سازی جرایم بشری و محاکمه مرتکبین جرایم جنگی در افغانستان، اقدامات جدی را روی دست گرفته، دولت و مردم را در این زمینه یاری نماید.

از افراد ملکی به حیث سپر انسانی، شکنجه افراد، تخریب ساختمانها و ادارات عامه، توقف توزیع خدمات عامه، مسدود کردن راه های مواصلاتی، به تاراج بردن اموال و دارایی های عامه و شخصی توسط گروه طالبان و عدم احتیاط نیروهای بین المللی دریکی از اماکن غیرنظامی، از جنایت های بزرگی است که در قندوز اتفاق افتاده است. او از دولت و نیروهای بین المللی حامی دولت خواست که در مورد چگونگی وقوع این واقعه اسفبار تحقیق نموده و ضمن ارائه معلومات دقیق به شهروندان، عاملان این حادثه را مورد باز پرس قرار بدهند و همچنان با اتخاذ تدابیر جدی، جلو وقوع این گونه حوادث را در آینده نیز بگیرند.

بنا به گفته ویدا سهل انگاری دولت و کوتاهی در کمک رسانی، خود بیانگر این است که رهبری حکومت نیز در فجایع قندوز دست داشته اند. از سویی هم نماینده کمیسیون حقوق بشر افغانستان می گوید: هدف قرار دادن اشخاص و محلات غیر نظامی، تخطی از اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی است و تمام طرفهای درگیر، مکلف به رعایت این دسته از قواعد بشری و انسانی بوده و باید تمام تدابیر لازم را جهت حفاظت از افراد ملکی و محلات غیر نظامی اتخاذ نمایند. دکتر روح الله عابد عضو کمیسیون حقوق بشر افغانستان گفت: هدف قرار دادن محلات غیر نظامی، استفاده

هوایی دولت به همکاری نیروی های خارجی به قتل رسیده اند. به باور ویدا، اگر طالب در اطراف شهر قندوز وجود داشت و داخل شفاخانه ها و سایر ادارات دولتی و خصوصی شده است، ممکن بود از طریق نیرو های ویژه و یا کماندو مهار شود و نیاز به بمبارد هوایی نبود. او با استناد به گفته ی یکی از داکتران که قبل از مرگ خود در یکی از شفاخانه ها پیام داده بود گفت: درجنایت قندوز دولت نیز شریک است زیرا پس از سقوط قندوز و درمحاصره قرار گرفتن نیروهای امنیتی و مردم ملکی، کمک عاجل از سوی حکومت صورت نگرفته است.

ادامه از صفحه اول / گروه هماهنگی عدالت انتقالی، فاجعه دردناک در ولایت قندوز که درآن علاوه بر تاراج دارایی های عامه، به زنان نیز تجاوز صورت گرفت، به شدید ترین لحن تقبیح کردند. ویدا پدرام عضور گروه هماهنگی عدالت انتقالی گفت: در قندوز نه تنها طالبان مرتکب جنایت شده است بلکه افراد فرصت طلب از جمله قومندانان که در آنجا مسلح بوده اند نیز از این موقعیت استفاده کرده و دست به جنایت زده اند. به گفته او، علاوه برجنایات طالب و افراد فرصت طلب دیگر، امریکا نیز در جنایات قندوز دست داشته است؛ زیرا حد اقل عده ای از افراد ملکی توسط نیروی

## خبر

### رئیس جمهور بر برخورد نیک نیروهای امنیتی با مردم تاکید کرد

رئیس جمهور غنی در گفت و گو با فرمانداناان قول اردوها و لواها و قوماندانان امنیه و روسای امنیت ملی ولایات، بر برخورد نیک نیروهای امنیتی با مردم تاکید کرد.

به گزارش خبرگزاری آوا، رئیس جمهور در این ویدیو کنفرانس گفت: در جریان عملیات در ولایت قندوز، گزارش هایی از برخورد نادرست و آزار مردم از سوی شماری از منسوبین نیروهای امنیتی به وی رسیده است.

رئیس جمهور غنی، آزار و اذیت مردم و برخورد نادرست به آنان را خلاف قوانین نافذ کشور، قوانین بین المللی و دستورالعمل حقوق بشر و نیروهای امنیتی و دفاعی کشور خواند و به مسئولین مربوطه به تاکید گفت که جلو این چنین سرپیچی ها و اعمال نادرست را بگیرند.

رئیس جمهور کشور گفت: یکی از تفاوت های عمده نیروهای امنیتی و دفاعی کشور و افراد غیر مسئول این است که نیروهای امنیتی و دفاعی از قوانین نافذ کشور و قوانین و دستورالعمل های جهانی و بشردوستانه پیروی می کنند و بخاطر برخورد خوب شان در میان مردم شهرت نیک و فضای امن و باور را ایجاد می نمایند.

### بهبود وضع معیشتی معلمان از اولویت های کاری وزارت معارف می باشد

وزیر معارف در پیامی به مناسبت روز جهانی معلم، گفت: معلم پیک راستی و درستی، سفیر روشنگری و سرافرازی، قافله سالار کاروان تمدن و طلایه دار قافله فرهنگ و دانش و وارث پیامبران در مسیر راه انسانسازی است.

به گزارش خبرگزاری آوا، اسدالله حنیف بلخی؛ وزیر معارف در پیام خود تصریح کرده است، تجلیل از مقام معلم در حقیقت تجلیل از دانایی، روشنایی، شکوفایی، اخلاق و معنویت است.

وزیر معارف خاطر نشان کرد: بهبود وضع معیشتی معلمان همواره در اولویت های کاری این وزارت قرار دارد و از هیچگونه سعی و تلاش برای بهبود وضع معیشتی استادان و آموزگاران گرامی، در حدود امکانات دست داشته، دریغ نخواهد کرد.

### می توانستیم از سقوط قندوز جلوگیری نمائیم اما ...!

ادامه از صفحه سوم / او گفت، دلیل اینکه پلان عملیات قندوز که قرار بود انجام شود و نشد و بعد این اتفاق افتاد و قندوز سقوط کرد این بود که در آن زمان چهار نفر از شهروندان یکی از کشورهای همسایه ما نزد آنان گروگان بود و ما مسوول بودیم تا برای حفظ جان آنان توجه داشته باشیم و هم چنین در این زمان برخی از نقاط دیگر افغانستان با مشکلاتی مواجه شده بود و ما نیروها را به این مناطق فرستادیم.

در ادامه جلسه سلیمان کاکر معاون مشاور امنیت ملی، در ادامه گفته هایش از ستون پنجم نیز یاد کرد و گفت، رییس جمهور بارها از آقای سیاف خواسته تا اگر شواهدی در دست دار و یا اسناد و نام هایی را می شناسد که به گفته او در ستون پنجم هستند رو کنند تا اقدام شود.

کاکر هم چنین اضافه کرد، اگر همه ما یک دست باشیم حتی در حالات بحرانی نیز می توانیم موفق باشیم و از پس مشکلات برآییم.

او در جواب این سوال که چرا ناتو در عملیات ها از نیروهای افغان حمایت نمی کند، گفت، در پیمان امنیتی آمده و فیصله شده است که ناتو از نقش محاروبی به نقش تجهیز، تمویل، آموزش و مشوره تبدیل می شود. پس بنابراین حتی اگر گاهی که تهدیدات زیاد می شود و ما از آنها برای عملیات ها کمک درخواست کرده و آنان نیز این کار انجام می دهند در واقع خلاف پیمان عمل شده است.

## وزارت معارف به مکاتب کابل اعلام کرده که از روز معلم تجلیل نشود

طالبان دریافت کرده اند را نمی توان به چند مورد خلاصه کرد، زیرا معلمان همه روزه تهدید به مرگ می شوند.

این معلم گفت: در روند استخدام معلمان نیز فساد اداری گسترده ای وجود دارد و در زمان برگزاری آزمون «رقابت آزاد» میان معلمان، کسانی کامیاب می شوند که حامی و واسطه داشته باشند.

وی در ادامه گفت: با وجودی که معلمان با این همه سختی و بدبختی ها دست و پنجه نرم می کنند، اما هرگز رسالت خود را فراموش نکرده و به صورت صادقانه به آموزش کودکان این مرز و بوم می پردازند. وی افزود: بزرگترین دلایلی که اکنون آموزگان به مکاتب افغانستان می روند، روحیه وطن دوستی، مبارزه با فقر علمی و فرهنگی است.

پژمان با اشاره به اعتراضاتی که چندی پیش صدها معلم افغانستانی در کابل و ولایت های دیگر به خاطر حقوق ناکافی خود به راه انداخته بودند، گفت: احتمالاً این اعتراضات از سر گرفته خواهد شد.

وی افزود: ما از وزیر معارف خواستیم که به برطرف کردن مشکلات آموزگاران توجه لازم مبذول دارد و اگر وزیر این درخواست ما را نادیده بگیرد، دست به اقداماتی همچون تحصن و اعتراض خواهیم زد و درهای مکاتب را یکبار دیگر خواهیم بست.

اوج گرفته بود که وزیر معارف به تمام معلمان قول افزایش حقوق و کاهش زمان برنامه های درسی را داد، اما این قول هم مکارانه بود و تاکنون جامه عمل نپوشیده است.

وی با اشاره به سایر مشکلات



معلمان افغانستان گفت: معلمان نه تنها با کاهش حقوق مواجه هستند، بلکه در اکثر ولایت ها قربانیان اصلی ناامنی ها و بی ثباتی ها هستند.

وی تاکید کرد: در چندین ولایت ده ها معلم توسط تروریستان طالب کشته شده اند و آمار تهدیداتی که معلمان از

وی با تاکید بر اینکه معلمان افغانستانی با حقوق کم، کار زیاد انجام می دهند، تصریح کرد: بارها خواستار کاهش زمان برنامه های درسی شدیم و تاکید کرده ایم که اگر زمان کاهش نمی یابد میزان حقوق بالا برود، اما این تلاش های ما تا سرحد

تحصن و اعتراض به پیش رفت.

وی افزود: به همین دلیل ما چندی پیش اعتراضات گسترده ای را به راه انداختیم و دامن اعتراضات ما در چندین ولایت و دست کم ۸۰ مکتب در شهر کابل کشیده شد. پژمان تصریح کرد: اعتراضات ما

یکی از معلم های لیسه حبیبیه گفته است که وزارت معارف به اکثر مکاتب کابل اطلاعیه فرستاده که از روز معلم تجلیل نشود.

به گزارش آوا، «همایون پژمان» معلم لیسه حبیبیه در گفتگو با خبرگزاری فارس، با اشاره به فرا رسیدن روز «معلم» در افغانستان گفت: این روز به صورت محدود در حال تجلیل شدن است و این در حالی است که مشکلات معلمان افغانستان هنوز پا برجاست.

پژمان افزود: چند روز پیش اطلاعیه ای از وزارت معارف به اکثر مکاتب رسید که در آن خواستار عدم تجلیل از روز معلم شده بود، اما بازم دانش آموزان از روز معلم تجلیل می کنند.

وی که در لیسه «حبیبیه» شهر کابل مشغول تدریس است، گفت: مدیریت این لیسه به دانش آموزان اجازه نداده که به صورت گسترده و همانند سال های پیش از این روز تجلیل کنند.

این آموزگار در ادامه سخنان خود با تاکید بر اینکه مشکلات معلمان افغانستان هنوز پابرجاست و اعتراضات و تحصن های آنان نتیجه نداده، گفت: حقوق یک معلم بسیار اندک است و با آن نمی تواند حتی زندگی معمولی در جامعه داشته باشد و به همین دلیل معلمان فقیرترین قشر جامعه افغانستان هستند.

## عالم افغانستانی: فاجعه منا به صورت عمدی صورت گرفته

او در توضیح مطلب فوق گفت: این در حقیقت یک حربه از سوی دشمنان و استکبار جهانی برای کم رنگ کردن مراسم اساسی و بنیادی اسلام (حج) است. او کنگره حج را یک امر عبادی سیاسی بین المللی دنیای اسلام خواند و گفت:



یادی استکبار از این تجمع مسلمین ترس و هراس دارند لذا از هر طریق ممکن می

گردن تقدیر می اندازد اما با کشته شدن بیشترین زائر ایرانی با در نظر داشت تنش های سیاسی میان عربستان و ایران قرائن دلالت دارد که موضوع منا یک امر تصادفی نبوده است.

به گفته او در حالیکه مکه، حرم امن الهی است و کسی حتی به یک حشره نمی تواند آسیب برساند چه رسد به انسان، پس این قضیه که در منا رخ داد بر اساس شواهد و مدارک یک قضیه عمدی بوده است.

به گفته راشد اگر دولت عربستان سعودی در قضیه منا خود را مسوول نداند و کماکان آنرا به گردن تقدیر اندازد مسلمانان وظیفه دارند تا بالای عربستان فشار وارد کنند و دلایل اصلی حادثه را روشن بسازند زیرا در این حادثه تنها کشته و زخمی شدن صدها حاجی مطرح نیست بلکه عمق فاجعه بیشتر از آن است که ما تصور می کنیم.

عالم افغانستانی گفت با کشته شدن بیشترین زائر ایرانی و با در نظر داشت تنش های سیاسی میان عربستان و ایران، قرائن دلالت دارد که موضوع منا یک امر تصادفی نبوده.

رجب علی راشد امام جماعت مسجد جامع خوشحال خان کابل به خبرگزاری آوا گفت: دست استکبار جهانی به صورت غیر مستقیم در واقعه منا دخیل است.

به گفته او، کشته و زخمی شدن صدها تن زائر خانه خدا آنهم بدون دلیل موجه، کشورهای اسلامی را نسبت به دولت عربستان سعودی در خصوص تامین امنیت حاجیها مشکوک ساخته است.

به گفته او هر چند دلیل اصلی این حادثه تاکنون به صورت واضح و روشن معلوم نیست و دولت عربستان نیز خود را در قبال این رویداد مسوول نمیداند و آنرا به

### تعریف جدید بانک جهانی از «فقر مطلق»

منطقه ای، آمار بالای بیکاری جوانان و افزایش تاثیر تغییرات محیط زیستی را از دلایل این دشواری خواند.

بانک جهانی هشدار داده است در کشورهایی که درگیر جنگ یا به شدت وابسته به صادرات کالاهای اساسی هستند، فقر در حال رخنه و نفوذ عمیق تر است.

این بانک به ویژه از افزایش تمرکز فقر در مناطق جنوب صحرائی آفریقا به شدت ابراز نگرانی کرده است.

پیش بینی می شود نسبت کسانی که در این منطقه در وضعیت فقر مطلق زندگی می کنند از ۴۲ و ۶۶ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳۵ و ۲۰ درصد در پایان سال ۲۰۱۵ کاهش پیدا کند، اما این رقم همچنان نیمی از جمعیت فقیر دنیا را تشکیل می دهد.

نسبت جمعیتی که زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند از ۱۲ و ۸ دهم درصد در سال ۲۰۱۲ به ۹ و ۶ دهم درصد کاهش یافته است.

به گزارش آوا به نقل از بی بی سی، جیم یونگ کیم، رئیس بانک جهانی می گوید: «ما اولین نسل در تاریخ بشریت هستیم که می تواند به فقر مطلق پایان دهد.»

به گفته بانک جهانی، رشد اقتصادی در کشورهای رو به توسعه و سرمایه گذاری در آموزش از عوامل اصلی کاهش آمار فقر مطلق در جهان بوده است.

با این حال آقای کیم اذعان کرده است که ادامه این روند کاری بسیار سخت خواهد بود. او کند بودن روند رشد اقتصادی در سطح جهان، وضعیت بی ثبات بازارهای مالی، درگیری های



بانک جهانی اعلام کرده است که تا پایان سال ۲۰۱۵، آمار فقر مطلق برای اولین بار به زیر ده درصد جمعیت کل جهان کاهش پیدا خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری آوا، بانک جهانی برای تعریف فقر مطلق درآمد کمتر از یک دالر و ۹۰ سنت در روز را در نظر گرفته است. این رقم پیش از این یک دالر و ۲۵ سنت بود.

این بانک پیش بینی کرده است که